

روان‌شناسی شخصیت زیدری نسوی بر مبنای ابعاد

درون‌گرایی و برون‌گرایی

نسرین کریم پور^۱

محمدعلی خزانة دارلو^۲

(۱۴۰-۱۲۵ مجله علوم ادبی)

تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش ۱۳۹۵/۰۳/۲۵

چکیده

پیوند بینارشته‌ای میان ادبیات و روان‌شناسی و پیدایش شاخه علمی روان‌شناسی ادبیات، دستاوردهای جدید در متن‌پژوهی محقق ساخته است. از رویکردهای پژوهشی این رشته علمی جدید، روان‌شناسی شخصیت مؤلفان آثار ادبی و تأثیر صفات شخصیتی نویسنده در شکل‌گیری ساختار درونی و بُعد زیبایی شناختی اثر است. نکته /مصدر زیدری از منابع ارزشمند برای بررسی از این منظر به شمار می‌رود. زیدری با خود افشایی و حضور ملموس خود در اثرش، امکان چنین جستاری را به دست محقق می‌دهد. در مقاله حاضر، شخصیت زیدری بر اساس نظریات دو روان‌شناس مشهور، یونگ و هالند، از بُعد درون‌گرایی و برون‌گرایی مورد واکاوی قرار گرفته و ابعاد فرعی شخصیتی برون‌گرایی اجتماعی، هنری، جست‌وجوگر، احساسی و شهودی و درون‌گرایی حسی در شخصیت وی باز شناخته شده است. همچنین تأثیر صفات شخصیتی هر تیپ در ساختار درونی و بیرونی و بُعد زیبایی شناختی اثر به اجمال نشان داده شده است.

کلید واژه‌ها: روان‌شناسی شخصیت، برون‌گرایی، درون‌گرایی، تیپ‌های شخصیتی، زیدری نسوی، نکته /مصدر.

۱. مدرس دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول)
nasrin_karimpoor@yahoo.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه گیلان
khazaneh@yahoo.com

مقدمه

شکل‌گیری علوم بینارشته‌ای در عصر حاضر، امکان پژوهش‌های عمیق‌تر و دست‌یابی به نتایج دقیق‌تری را فراهم آورده است.

از جمله علوم بینارشته‌ای پرکاربرد و مورد توجه، روان‌شناسی ادبیات است. پیوند تنگاتنگ این دو علم گسترده و پیچیده و تعامل پویای آنها با یکدیگر، کشف لایه‌های ژرف‌تر متون ادبی و بررسی این آثار از زوایای گوناگون را محقق ساخته است. «رهیافت روان‌شناختی به اثر ... این امکان را می‌بخشد که رابطه میان هنرمند و آثار او ... کشف [شود]» (علایی، ۱۳۸۰: ۲۰). به کارگیری ابزارهای علم روان‌شناسی در واکاوی ادبیات، غالباً به سه طریق عمده صورت می‌پذیرد: «یکی تحلیل متن است که خود را در چارچوب اثر هنری محدود می‌کند. دیگری تحلیل شخصیت‌های [متن] است و سومی ... به تحلیل بخش‌هایی از شخصیت هنرمند پرداخته تا نیت و انگیزه پنهان او را در نوشتن آثار خلاقه‌اش دریابد» (صنعتی: ۱۳۸۴، ۷۶).

نفته‌المصدر از جمله آثار ادبی است که نویسنده آن بیش از هر متن دیگری به خودافشایی و حدیث نفس مستقیم پرداخته است. نقش پررنگ "من" نویسنده و حضور ملموس وی در متن، از مزیت‌های این اثر در تحلیل روان‌شناختی شخصیت خالق توانای آن است.

این مقاله می‌کوشد تا به کمک علم روان‌شناسی به تحلیل شخصیت زیدری بپردازد و بر مبنای متن اثر، نوع تیپ برون‌گرا یا درون‌گرای خالق آن را مشخص نماید و تأثیر ویژگی‌های شخصیتی زیدری را در نوع تصمیم‌گیری‌ها، ارتباطات، تفکر و رفتار وی و همچنین در خلق ساختار و بعد زیبایی‌شناختی اثر نشان دهد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های ادبی از منظر روان‌شناسی در دههٔ اخیر رواج چشمگیری داشته و از تنوع بسیاری برخوردار است. از جمله مقالاتی که در این حوزه نگاشته شده موارد زیر را می‌توان نام برد: نگاهی گذرا به منظومه‌های نظامی گنجوی از دیدگاه روان‌شناسی، نقد روان‌شناختی شخصیت ضحاک در شاهنامه، تحلیل روان‌شناختی خودستایی‌های خاقانی، تحلیل سندبادنامه از دیدگاه روان‌شناسی یونگ، نقد روان‌شناختی شخصیت‌های بوف کور، توصیف روان‌شناختی شخصیت بیهقی، تحلیل روانکاوانه شخصیت گردآفرید، نقد روان‌شناختی آثار فروغ فرخزاد و ...

پژوهش‌های متنوع بسیاری نیز در موضوع شخصیت انجام شده‌اند، از جمله: شخصیت و شخصیت‌پردازی در حدیقه سنایی، تحلیل شخصیت رستم در نبرد با سهراب، شخصیت و شگردهای شخصیت‌پردازی سعدی در گلستان، تیپ‌شناسی شخصیت‌های داستانی صادق هدایت، بررسی عقده حقارت در شخصیت بوسهل زوزنی و... این پژوهش‌ها در نوع خود قابل اعتنا و ارزشمند هستند. با این وجود آنچه در اغلب مقالات روان‌شناختی - ادبی دیده می‌شود، توجه به آرکی تایپ‌ها و کهن‌الگوها در تحلیل متن ادبی و یا کشف اختلالات روان‌شناختی در شخصیت آفرینشگر اثر ادبی یا شخصیت‌های داخل اثر است. بسیاری از مقالات حوزهٔ شخصیت‌شناسی نیز به بررسی عنصر شخصیت از میان عناصر داستان است تا پژوهشی روان‌شناختی. آن دسته از پژوهش‌هایی که به تحلیل روان‌شناختی شخصیت پرداخته‌اند نیز اغلب شخصیت‌های داخل اثر را کاویده‌اند که اکثراً شخصیت‌هایی داستانی یا مخلوق خیال خالق اثر هستند. مقالهٔ حاضر با این رویکرد نوشته شده‌است که شخصیت خالق اثر را بر اساس تیپ شخصیتی درونگرا یا برونگرا بودن آن بکاود و تأثیر نوع شخصیت وی را در خلق اثر و نوع اثرش نشان دهد. برای این منظور از نظریهٔ تیپ‌های شخصیتی یونگ استفاده شده که به نسبت با نظریه‌های شناخته شده این نظریه‌پرداز، کمتر مطمح نظر محققان ادبی بوده‌است. همچنین تاکنون پژوهش‌هایی که دربارهٔ نفثه /المصدر صورت گرفته یا ادبی - زبانی بوده‌اند و یا تاریخی و تاکنون پژوهشی در خصوص روان‌شناسی شخصیت خارق العاده زیدری انجام نشده‌است. ضرورت این مسئله البته به نوع متن ادبی مورد بررسی باز می‌گردد، زیرا نفثه /المصدر شاید تنها متن ادبی مصنوعی است که نویسندهٔ آن، همهٔ عناصر بدیع زبانی را برای بیان شدت احساسات درونی خود به کار گرفته‌است، نه برای نشان دادن توانایی بی‌ظنیر خود در خلق اثری برجسته.

۱. پیش درآمدی بر روان شناسی شخصیت

به طور کلی روان شناسی شخصیت، مجموعه نظریه‌ها و مکاتب روان‌شناختی‌ای است که « با شناخت و توجیه شخصیت انسان ارتباط نزدیک‌تری دارند» (شاملو، ۱۳۸۲: ۱۱). در علم روان‌شناسی، شخصیت، جزء اساسی‌ترین موضوعات و محوری‌ترین مباحث آن به شمار می‌رود. واژه شخصیت (personality) از ریشه کلمه لاتین persona و در لغت به معنی نقاب است؛ اما «مفهوم اصلی و اولیه شخصیت، تصویری صوری و اجتماعی است و بر اساس نقشی که فرد در جامعه بازی می‌کند ترسیم می‌شود» (حجازی، ۱۳۸۷: ۱۲). هریک از مکاتب روان‌شناسی بر اساس اصول خود، شخصیت را تعریف کرده‌اند. از این رو ارائه تعریفی جامع از آن دشوار می‌نماید. با این همه شاید بتوان شخصیت را این‌گونه تعریف کرد: «مجموعه سازمان یافته و واحدی متشکل از خصوصیات نسبتاً ثابت و پایدار که بر روی هم یک فرد را از فرد یا افراد دیگر متمایز می‌سازد» (شاملو، ۱۳۸۲: ۱۷). به عبارت دیگر « شخصیت، سازمان پویای جنبه ادراکی، انفعالی، ارادی و بدنی خرد آدمی است» (سیاسی به نقل از شلدن، ۱۳۷۴: ۷).

در روان‌شناسی شخصیت، افراد، متناسب با ویژگی‌ها و صفات بارز خود، در ردیف تیپ‌های شخصیتی خاصی قرار می‌گیرند. بر این اساس، روان‌شناسان، تیپ‌های شخصیتی گوناگونی را تبیین و تشریح کرده‌اند. تیپ‌های شخصیتی از تنوع و گاه تشابه بسیاری برخوردار هستند. با این حال روان‌شناسان به طور کلی بر سر این که دو بعد شخصیتی برونگرا و درونگرا از لحاظ کردار بشری، مهم‌ترین بعدها هستند، توافق دارند. دیگر تیپ‌های شخصیتی ارائه شده توسط دانشمندان نیز می‌تواند به صورت زیر مجموعه‌های این دو بعد اصلی به شمار آیند.

۲. تیپ‌های شخصیتی برونگرا و درونگرا

اگرچه روان‌شناسان، دو تیپ شخصیتی اصلی درونگرا و برونگرا را از یکدیگر تفکیک کرده‌اند؛ اما بر این نکته تأکید می‌نمایند که این دو گرایش، اموری متضاد و در تقابل با یکدیگر نیستند، بلکه مکمل یکدیگرند. در همه انسان‌ها این دو تمایل وجود دارد، لیکن افراد در ابراز یکی از این دو مستعدترند؛ به گونه‌ای که گرایش دیگر را رشد نایافته و در ناخودآگاه خود باقی می‌گذارند. به عبارت دیگر «در شخص، گرایشی، خود آگاهانه رشد یافته و گرایش دیگر در ناخودآگاه باقی می‌ماند. با این همه هیچ کس به طور کامل با این یا آن گرایش زندگی نمی‌کند، بلکه گاهی گرایش ناخودآگاه را به طور خفیف نشان می‌دهد» (فدایی، ۱۳۸۱: ۶۴).

در همه اشخاص گرایش متعادل، گرایشی است که هم برون‌گرا و هم درون‌گرا باشد. برای شناخت بهتر این دو تیپ شخصیتی، شناخت ویژگی‌های هر تیپ ضروری می‌نماید. به طور کلی «برون‌گرایان سوگیری به دیگران و نیز به جهان خودآگاهی دارند. کارمابه یا جریان لیبیدوی آنان به خارج معطوف است و به وسیله عوامل بیرونی برانگیخته می‌شوند و تحت تأثیر قرار می‌گیرند و می‌کوشند شرایط را مطابق سرمشق خاص خود دوباره بسازند. درون‌گرایان به جهان درونی خویش سوگیری دارند. لیبیدوی آنان نخست به درون و سپس به سوی واقعیت بیرونی جریان می‌یابد. در ارتباط با اشخاص و اشیاء بی‌اعتمادند، کناره می‌گیرند و تأمل را بر عمل برتری می‌دهند. به این ترتیب درون‌گرایان ممکن است خودخواه و سازگاری ناپذیر دیده شوند» (همان، ۶۳).

اشخاص دارای نوع شخصیتی برون‌گرا در صفات ذیل مشترکند: گشاده‌رو، بی‌نظم، سرخوش، صراحت در بیان، اجتماعی، سریع در واکنش، پرگو، رقابت‌جو، پرخاشگر، عدم تصدیق خطا و اشتباهات، مادی‌گرا، واقع‌گرا و تفرّدگرا.

صفات مشترک نوع شخصیتی درون‌گرا نیز بدین قرار است: محتاط، محافظه‌کار، منفعل، ساکت، احساساتی، آرمان‌گرا، مطیع، درخود فرو رفته، اندیشه‌ورز، گذشته‌گرا، متمایل به هماهنگی و مصالحه و اتحاد با دیگران (برای اطلاع بیشتر رک: فدایی، ۱۳۸۱: ۷۲-۷۹).

۳. چارچوب نظری پژوهش

چنانکه گفته شد این مقاله به بررسی تیپ شخصیتی نویسنده می‌پردازد. از این رو از نظریات دو روان‌شناس برجسته، یونگ و هالند استفاده می‌کند. روان‌شناسان بر اساس ویژگی‌ها و صفات موجود در هر یک از دو تیپ اصلی شخصیتی، تیپ‌های روان‌شناختی فرعی را مشخص و دسته‌بندی‌های تازه و مشابهی از انواع تیپ‌های شخصیتی ارائه کرده‌اند.

کارل گوستاو یونگ، روان‌شناس مشهور اتریشی از جمله دانشمندانی است که دو تیپ اصلی شخصیت را مطرح نمود. وی متناسب با این دو گرایش عمده، چهار کنش یا کارکرد را تبیین و آنها را در دو قطبیت متفاوت جای داد:

۱. قطبیت حس- اشراق؛ و ۲. قطبیت اندیشه ورزی- عاطفه ورزی

یونگ بر اساس تعامل‌های دو نگرش درون‌گرا و برون‌گرا و چهار کارکرد مذکور، هشت تیپ روان‌شناختی فرعی را معرفی کرده‌است:

۱. برونگرای متفکر؛ ۲. برونگرای احساسی؛ ۳. برونگرای حسی؛ ۴. برونگرای شهودی؛ ۵. برونگرای متفکر؛ ۶. برونگرای احساسی؛ ۷. برونگرای حسی؛ و ۸. برونگرای شهودی (رک: [www . Psychology. Blogsky. com](http://www.Psychology.Blogsky.com)).

به اعتقاد یونگ نمی‌توان شخصیت افراد را تنها در یکی از این هشت نوع شخصیتی طبقه بندی کرد، بلکه میان هشت تیپ ارائه شده تعامل ظریفی برقرار است و گاه افراد، ترکیبی از صفات دو یا چند تیپ را به خود اختصاص می‌دهند.

روان‌شناس برجسته دیگر، جان هالند نیز در طبقه بندی خود، شخصیت افراد را بر شش نوع تقسیم بندی کرده‌است. وی نیز معتقد است که با مشاهده رفتار فرد و بررسی تاریخچه زندگی وی می‌توان غلبه یکی از تیپ‌های شخصیتی را بر سایر انواع ملاحظه کرد. با این حال در برخی افراد می‌توان ترکیبی از دو یا چند تیپ مختلف را مشاهده نمود. این شش تیپ شخصیتی به قرار زیرند:

۱. واقع‌گرا؛ ۲. جستجوگر؛ ۳. هنری؛ ۴. اجتماعی؛ ۵. متهور؛ و ۶. قراردادی (برای اطلاع بیشتر رک: www . Blockallhamdeli. Net results).

۴. روان‌شناسی شخصیت زیدری

بر اساس فرض‌های روان‌شناختی، افراد ویژگی‌های شخصیتی خود را در آثار گوناگون هنری و غیر آن فرافکنی می‌کنند. در واقع این آثار حامل نشانه‌ها و پیام‌هایی از ویژگی‌های شخصیتی، نگرش، تمایلات و نوع اندیشه‌ورزی خالقان خود هستند. همچنین انگیزه‌های آفرینش اثر و گزینش‌های فردی در پرداخت آن را نیز شامل می‌شوند. از این‌رو با بررسی این آثار می‌توان به شناختی نسبتاً کلی و دقیق از شخصیت آفریننده آن دست یافت.

نفته/المصدر تألیف شهاب‌الدین محمد زیدری نسوی، روایتی است تاریخی و روایت صادقانه زندگی زیدری. شرح مصائب، رنج‌ها و کشته شدن مخدوم نسوی، سلطان جلال‌الدین به نثری بسیار زیبا، تأثرانگیز و پر احساس.

زیدری در اثر خود، آگاهانه یا ناآگاهانه با چنان دقتی به حدیث نفس و به طور غیرمستقیم به تشریح شخصیت خود و اطرافیانش پرداخته که این اثر را از لحاظ بررسی روان‌شناختی شخصیت مؤلف، بسیار برجسته و ارزشمند نموده است.

در یک نگاه اجمالی و اولیه به نظر می‌رسد بعد برونگرای شخصیت زیدری بر درونگرایی او غلبه دارد. اقدام به نگارش متنی چون *نفته/المصدر* و واگویی احساسات و خودافشاگری‌های نویسنده، خود می‌تواند مؤثرترین نشانه در راهنمایی و جهت‌دهی ذهن مخاطب به چنین برداشتی از شخصیت زیدری باشد.

با توجه به داده‌های متنی و نشانه‌های موجود در اثر که به تفصیل بدان پرداخته خواهد شد، می‌توان شخصیت زیدری را با تیپ‌های شخصیتی ذیل تطبیق داد:

۴-۱. تیپ شخصیتی برون‌گرایی احساسی

افرادی که در این نوع شخصیت طبقه‌بندی می‌شوند، اشخاصی بسیار هیجانی، از نظر عاطفی حساس، معاشرتی و در برقراری ارتباط با دیگران موفق و نسبت به طرز تفکر و عقیده دیگران درباره خود حساسند.

انگیزه نگارش *نفثه‌المصدر* و شرح ناملايماتی که نویسنده آن متحمل گردیده و همچنین ابراز احساسات قوی و گاه شکوه‌آلود بسیار عاطفی نسبت به جلال‌الدین خوارزم شاه و یا موضع‌گیری‌های تند در مقابل افرادی که به گونه‌ای نامطلوب با زیدری رفتار نموده‌اند، نشان از شخصیت زودرنج، حساس و شدیداً عاطفی او دارد. به طوری که «از *نفثه‌المصدر* که مهجوری بدان راحتی تواند یافت، چاره‌ای نداشته و از انین‌المهجوری که رنجور را در شب دیجور هجر بدان شفایی تواند بود، او را گریزی نبوده‌است» (*نفثه‌المصدر*: ۷).

زیدری از عدم تفقد جلال‌الدین شکوه سر می‌دهد:

اگر آن خداوند که روزنامه وفا را از اخلاق او برگیرند، از سیاه‌روزی من، یا لیت بینی و بینک بُعد المشرقین فیئس القرین می‌خواند ... و اگر آن مخدوم که نسخه مکارم از شمائل او برند، فشکر الدهر یقضی بالفراق می‌گوید ... قلم در نام آنکه نامم نمی‌برد نتوانم کشید (۱۱۸-۱۱۹).

البته احساسات تأثرانگیز زیدری در مرگ جلال‌الدین نیز بسیار قابل توجه است. لحن بی‌پروا و گاه تند زیدری که در برابر طرز برخورد اشخاص با خود دارد نیز قابل تأمل است؛ زیرا، برون‌گرایان بر خلاف درون‌گرایان، سریع‌الواکنش بوده و احساسات خود را بی‌تأمل انعکاس می‌دهند. توصیف عداوت وزیر جلال‌الدین و همچنین الفاظی که در تقبیح و تشنیع اشخاصی چون مجنون نحوی، اوترخان، صاحب آمد، جمال علی عراقی و ... به کار برده‌است، از هیجان عصبی زیدری حکایت می‌کند. با این حال ارتباطات وسیع وی با بزرگان، اطرافیان، حتی با دشمنان و بدخواهان او را دارای شخصیتی معاشرتی و خردمند نشان می‌دهد.

۴-۲. تیپ شخصیتی برون‌گرایی شهودی

تیپ‌های شخصیتی برون‌گرایی شهودی توانایی زیادی در بهره‌جستن از فرصت‌ها دارند. این افراد در کار و کسب و سیاست موفق هستند و گرایش به خلاقیت، تغییر پذیری و سازگاری دارند و در کنار عملکرد ذوقی، تأمل نیز می‌کنند.

زیرکی و هوشیاری زیدری که پیشتر بدان اشاره شد، در اثر او آشکارا قابل مشاهده است. بهره‌گیری بجا و استفاده از ارتباطات گسترده و قابلیت به کارگیری به موقع توانمندی‌های فردی، زیدری را در بهره‌جستن از فرصت‌ها و موفقیت در مسئولیت‌هایش یاری رسانده است. رفتار خردمندانه زیدری با وزیری که در سر عداوت او را دارد و همچنین برخورد سریع و غیرمستقیم با تصمیم او در ماجرای مجنون نحوی و استفاده زیرکانه از نفوذ خود در شکستن این طلسم (۱۳-۱۶) برقراری ارتباط و بهره‌گیری به موقع از آن در وقت ضرورت همچون تمهید سوابق معرفت با صاحب اربیل (۷۰) برقراری رابطه‌های مخفیانه برای استخلاص از دست صاحب آمد و جسارت فرار زیرکانه (۶۴-۶۵) و کوچ‌غلط دادن تعقیب‌کنندگان خود (۶۷) و ... نمونه‌هایی از بهره‌گیری از فرصت‌ها توسط زیدری است. همچنین محول کردن مسئولیت‌های مهم و استراتژیک به زیدری، همچون حمل خزانه سلطانی (۱۱) بر عهده داشتن امور عظام لشکری در هنگامه جنگ (۲۶) و انجام وظیفه خطیر رسالت در شرایط خاص (۳۰-۳۱) در کنار منصب دبیری و کتابت (۳)، نشان‌دهنده موفقیت و محوری بودن نقش زیدری در کار و امور سیاست است (برای اطلاع از مسئولیت‌ها و منصب‌های زیدری رک: خسرو بیگی، ۱۳۸۵).

۳-۴. تیپ شخصیتی هنری

شخصیت هنری، صفاتی چون حساس بودن، آرمانگرایی، ابتکار، مهم، استقلال، خیال‌پردازی، خودانگیختگی، عاطفه، آزادمنشی و ... را داراست. متن زیبا و نثر مصنوع نفثه‌المصدر خود گویاترین نشانه خلاقیت، ابتکار، خیال‌پردازی و مهارت نویسنده آن در خلق تصاویر زبانی بدیع است، به طوری که «کارکرد ادبی و عاطفی متن بسیار بیشتر از اطلاعات تاریخی آن نمود دارد» (ذاکری‌کیش و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۱). قصد زیدری از نگارش نفثه‌المصدر، روایت یک بحران تاریخی و اجتماعی نیست، بلکه وی سعی دارد «با تکیه بر جنبه‌های زبانی شخصی و آشنایی‌زدایی از معانی اولیه لغات در فرایندی احساسی، معانی را معطوف به حالات و احساسات شخصی خود کند» (بتلاب و خزانه‌دارلو، ۱۳۹۰: ۵۸). غنای گفتار زیدری بیش از هر چیز مدیون قدرت تخیل وسیع اوست. تسلط به قواعد و ساختار زبان فارسی و عربی و استفاده عاطفی از زبان، صلابت و استواری رو ساخت و ژرفساخت اثر را فراهم آورده است. هر واژه در متن با انتخاب صحیح و ظریف لفظی و معنایی و چینش دقیق و هنرمندانه، یک نقش هنری را بازی می‌کند. مهارت و ابتکار زیدری را حتی در انتخاب واج‌ها، مصوت‌ها و حروف، متناسب با مضمون و حال و هوای متن می‌توان مشاهده کرد. او با قاعده افزایی‌های متعدد در متن خود انواع توازن‌های موسیقایی (آوایی، هجایی، نحوی و واژگانی) ایجاد کرده که بر کارکرد عاطفی اثر می‌افزاید. برای مثال در عبارت «بار سالار ایام

چون بار حوادث در هم بسته تیغ بسرباری در بار نهاده» (۱) «تکرار و توالی مصوت‌های بلند "آ" در جمله، تداعی بخش سنگینی بار روزگار و تداوم بلایای ایام و در عین حال حزن و آه و اندوه است که خواننده آن را به راحتی احساس می‌کند و در پایان این جمله و فرود در کلمه "نهاده" گویی آه از نهادش برمی‌آید» (فاضل: ۱۳۸۸، ۱۱۶). «آرایش‌های ظاهری و محسنات لفظی در این کتاب تا حدی است که معمولاً معانی ذهنی نویسنده در پرده‌هایی از الفاظ و عبارات و صنایع ادبی پوشیده شده است» (همان، ۱۱۴) و البته کشف این معانی از میان تصویرسازی‌ها و لفاظی‌های بی‌نظیر، خود لذتی مضاعف و شگفتی بسیار از درک زیرکی و هوشیاری نویسنده را به همراه دارد. برای نمونه، زیدری آنجا که به نقل ماجرای عداوت وزیر و مجنون نحوی می‌پردازد، برای نشان دادن برتری و بر حق بودن خود با مهارت و ابتکاری که در لفظ‌پردازی‌ای عالمانه به کار می‌گیرد، مخاطب را به قضاوت وادار می‌دارد: «این قدر ندانسته که هر مجهول که فاعل از مفعول شناخت و موضوع از محمول فرق کرد، سلیمان‌وار به منطق‌الطیر نرسد ... چون در نصب آن بزرگ، عدل و معرفت رعایت نکرده بود، صرف او لازم شناخت و چون در دو حالت جر و رفع، گرانی حرمت او روشن شد، حذف او واجب داشت» (۱۵-۱۶).

کارکرد شعری و عاطفی متن که گاه حتی در زبانی ساده نیز دیده می‌شود و تأثیر عاطفی شعر را در متن برجسته می‌کند، استفاده از جملات طولانی که با صناعات و عبارات معترضه و عربی پرداخته و تزیین شده‌اند، استعمال بسیار استعاره‌ها و تشبیهاتی که مشبه‌به‌های آنها عناصری ملموس و از محسوسات جهان بیرونی و پیرامونی‌اند و حدیث نفسی که همراه در محور جانشینی کلام پیش می‌رود و برای نشان دادن عمق احساسات و تأثرات نویسنده به کار گرفته شده، انتخاب زاویه دید اول شخص و به طور کلی جهت‌گیری پیام نویسنده به سوی خود، مؤید شخصیت برون‌گرا، غیر انفعالی و رمانتیک خالق اثر هستند.

از سوی دیگر، به‌کارگیری اطناب و صناعات پیچیده بخصوص کاربرد وسیع صنعت ایهام - که می‌تواند از نمودهای درون‌گرایی و شخصیت محافظه‌کار نویسنده باشد که زیرکانه با اطناب‌های ناشی از برون‌گرایی وی همراه شده و نشان‌دهنده شخصیت متعادل اوست - و دوگانگی معنایی، از دوران پر تنش ریا‌پیشه و شرایط نامطلوب حاکم بر جو زمان زیدری نیز حکایت می‌کند. از این رو شخصیت برون‌گرای نویسنده با اشراف بر واقعیات زمانه خویش و همچنین صداقت و زیرکی او، وی را بر آن داشته که ناگفتنی‌ها را در هزار توی الفاظ و تصاویر بیان نماید.

شخصیت به شدت عاطفی نویسنده نکته قابل تأمل دیگری است که خلق اثر وی را ویژه و شخصی کرده است. نمود این مسئله را می‌توان به صورت بسامد بالای واژگان عاطفی، تک‌گویی‌های متعدد، استفاده از جملات ندایی، سؤالی و تعجبی^۱ و برش‌های ذهنی زیدری دید. تداعی‌های عاطفی ذهن نویسنده در ساختار کتاب و روایت وی از واقعه نیز بی‌نظمی‌های گاه به گاهی را موجب شده که اگرچه به ساختار روایی و داستان‌گونه اثر ضربه‌ای نمی‌زند، به نوعی ساختاری دوری و گسسته‌نما به آن داده‌است. این بی‌نظمی بیشتر در روایت مرگ و یا زنده بودن سلطان جلال‌الدین دیده می‌شود: در صفحات ۴۰ تا ۵۰ کتاب به تفصیل ماجرای مرگ جلال‌الدین نقل شده‌است. در صفحه ۵۱ به نوعی بک‌گراند مشاهده می‌شود که در وهله اول باعث سردرگمی خواننده می‌گردد. در صفحه ۷۲ کتاب خبر از احتمال زنده بودن جلال‌الدین داده می‌شود و خواننده را دچار حیرت می‌کند. این ابهام و حیرت تا آخر اثر ادامه دارد و به خصوص در صفحات ۱۱۸ تا انتهای کتاب که نویسنده از عدم تفقد خود توسط سلطان جلال‌الدین شکوه می‌کند، به اوج می‌رسد. از این دست جلو و عقب رفتن‌های روایی در نفثه‌المصدر پنهان و آشکارا دیده می‌شود. شاید بتوان این مسأله را به تأثیر سوء حوادث تلخی که بر نویسنده گذشته است، مربوط دانست.

نکته دیگر در باب شخصیت هنری زیدری، استقلال و آزادمنشی اوست. با توجه به داده‌های اثر، زیدری با بر عهده‌داشتن مسئولیت‌های بزرگ و تصمیم‌گیری‌های فردی خود، شخصیت مستقلی را به نمایش می‌گذارد.

برونگرایان با آنکه افرادی اجتماعی و در میان جمع هستند، اما در فعالیت‌های فردی موفق‌تر ظاهر می‌شوند. زیدری نیز در عین داشتن ارتباطات گسترده و همراهی با جمع، در عمل به صورت فردی تصمیم‌گیری و رفتار می‌کند. عملکردهای فردی وی به خصوص در گریزها و مهاجرت به مناطق مختلف به وضوح دیده می‌شود. در مقابل هرگاه که عملکرد جمع را پذیرفته، این پذیرش با اکراه و منجر به پشیمانی توصیف شده است (صص ۶۱-۵۷ و ۴۰). همچنین تن ندادن به تسلیم، تنها نگذاشتن پادشاه، تأسف و موضع‌گیری در برابر بی‌تفاوتی و بی‌توجهی به خطر دشمن و قرار گرفتن امور عظام در دست بی‌کفایتان و برآشفتن در مقابل ظلم، همگی از شخصیت آزاد منش زیدری حکایت می‌کنند.

۱. «لایه‌های عاطفی زبان در حروف ندا یا عبارات تعجبی تظاهر می‌یابد» (یاکوبسن، ۱۳۸۱: ۷۴).

۴-۴. تیپ شخصیتی جستجوگر

افراد چنین تیپی، تحلیلگر، منتقد، روشنفکر، فروتن، دقیق، هوشیار و ... هستند. بیشتر صفات مذکور در شخصیت زیدری دیده می‌شود.

زیدری منتقدی چیره دست است. وی در واکنش بیرونی به ناخرسندی از اوضاع جامعه، با تأکید بر ذهنیت فردی به انتقاد و حتی هجو دیگران می‌پردازد. وی با «تأکید بر ذهنیت خود، معرفت‌شناسی ویژه‌ای از خود را به نمایش می‌گذارد» (بتلاب و خزانه‌دارلو، ۱۳۹۰: ۵۲). گاه در پرده‌الفاظ و گاه به صراحت از افراد انتقاد می‌کند و به تحلیل عملکردها می‌پردازد. در این راه هیچ‌کس حتی سلطان نیز از نگاه نقادانه و تحلیلگر زیدری به کنار نمی‌ماند وی با نقد از عملکرد گند و خوش‌بینانه سلطان در مقابله با لشکر تاتار (۱۷-۲۰) و انتقاد از سپردن امور مهم جنگ به دست فرماندهی بی‌کفایت (۳۷-۴۰) و بی‌توجهی به متحدان و همسایگان کشور (۲۷-۳۰) که می‌توانستند به هنگام بلا دستگیر باشند، به طور غیرمستقیم به تحلیل عوامل مؤثر در شکست و فجاج حاصل از آن پرداخته است.

در انتقاد شدیدالحن از افراد نالایق ظالم و فاسدی چون، صاحب آمد، جمال علی عراقی، وزیر سلطان جلال الدین و ... در عین آنکه چندان مراعات ادب را پایبند نیست، اما با بیانی صریح واقعیت را می‌گوید، به طوری که خواننده به صداقت و عدالت نویسنده اطمینان و اعتماد می‌نماید. به خصوص آنکه زیدری در تمام متن کتاب خود همه وقایع، حوادث و عملکردها را با جزئیات بسیار دقیق آن روایت می‌کند و صادقانه هر آنچه واقع شده است را بی‌کم و کاست در مقابل چشم خواننده به تصویر می‌کشد.

نکته قابل تأمل در این باب، خود انتقادی نویسنده و مواخذه خویشتن است. نکته جالب اینجاست که زیدری با آنکه اشتباهات خود را بازگو می‌کند و خود را سرزنش می‌نماید، اما از آنجا که عدم پذیرش اشتباه از ویژگی‌های برون‌گرایان است، زیدری نیز غالباً سعی در توجیه خطاهای خود و به نوعی دلیل‌تراشی برای ارتکاب آنها دارد (۵۳ و ۶۴).

«دلیل‌تراشی از مکانیسم‌های دفاعی خود است که به موجب آن شخص برای شکست‌ها، خطاکاری‌ها، باخت‌ها یا رفتار ناسازگارانه‌اش دلایل و عذرهایی به ظاهر موجه ارائه می‌کند تا عمل خود را درست و منطقی جلوه دهد» (برونو، ۱۳۷۳: ۱۵۵). «این مکانیسم بیشتر برای بقای اعتماد به نفس به کار می‌رود» (شفیع آبادی و ناصری، ۱۳۸۵: ۵۹). از این رو زیدری گاه اشتباهات خود را به گردن دیگران می‌اندازد و خود را هوشیار و آگاه نشان می‌دهد. «طرفه آنکه من بنده که ... در تحذیر آن همه مبالغت می نمودم، چون همه ابلهان الحاقاً للفرد بالأعم در شهر کوران دست بدیده باز نهادم و مصلحت کلی فرا آب داد» (۴۰، ۵۷-۶۰).

۴.۵. تیپ شخصیت اجتماعی

تیپ‌های اجتماعی افرادی صبور، سخاوتمند، معاشرتی، مسئول، صمیمی، مسلط، اهل همکاری و ... هستند.

«یک تیپ شخصیتی اجتماعی، یک تیپ مبادی آداب و مراقب روابط اجتماعی است. در نظر او داوری و قضاوت دیگران حائز اهمیت است. او تلاش می‌کند جایگاه خویش را نزد دیگران پیوسته حفظ کرده، بهبود و ارتقا بخشد. برای این تیپ در نهایت جایگاه و ارزش خود مطرح است» (احمدی، ۱۳۸۰: ۳۰).

با توجه به آنچه تا کنون درباره ویژگی‌های شخصیتی زیدری بیان شد، شخصیت اجتماعی وی کاملاً آشکار است. ارتباطات وسیع و مسالمت آمیز او با افراد مختلف چه دوست و چه دشمن و صمیمیت او با افراد زمان خود و به واسطه متن پر احساس و عاطفی‌اش، با خواننده، زیدری را شخصیتی معاشرتی و اجتماعی می‌نماید. همچنین مسئولیت‌های مهمی که بر عهده وی بوده است و کاردانی او در انجام وظایف که در جای جای اثرش به آن اشاره می‌کند نیز نشان‌دهنده مهارت و تسلط او در انجام وظایف و امور عظام است. تحمل رنج‌های بسیار روحی و جسمی، اضطراب‌های فراوان به همراه حس مسئولیت‌پذیری بالای او نیز صبوری و بردباری وی را تأیید می‌نماید.

تعاریف مکرر زیدری از خود و اشارات او به عملکردها، مسئولیت‌ها، نوع تفکر و حتی توجیه اشتباهات و کارهایش و بیان کاردانی، آگاهی، هوشیاری و دقتش در امور، همگی نشان از دغدغه نویسنده *نفته‌المصدر* در مورد نوع برداشت دیگران از او دارد. از این رو زیدری سعی دارد تا چهره‌ای موجه و مثبت از خود در ذهن مخاطب تصویر نماید.

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، شخصیت انسان‌ها از هر دو بعد برون‌گرا و درون‌گرا شکل گرفته است. اگرچه تنها یکی از دو گرایش می‌تواند حضور قوی و غالب داشته باشد، اما گرایش باقی‌مانده در ناخودآگاه نیز نمود خفیفی در شخصیت انسان دارد.

در میانسالی دو بعد شخصیتی در انسان به سوی هم تراز می‌شود و تعادل پیش می‌روند، به طوری که در میانه عمر هر یک از دو گرایش، نسبتاً به یک میزان در شخصیت افراد نمود می‌یابند و تفکیک میان جنبه‌های فرعی شخصیت را مشکل می‌نمایند.

به عقیده یونگ در میانسالی میزانی از فردیت‌یافتگی کسب می‌شود. شخصیتی در انسان به وجود خواهد آمد که یونگ آن را شخصیت همگانی نامیده است که در آن هیچ جنبه‌ای از شخصیت بر دیگری غلبه ندارد. در این زمان یکتایی و یگانگی افراد از میان می‌رود به طوری که دیگر نمی‌توان آنها را در یک سنخ روان‌شناسی ویژه قرار داد و توصیف کرد (شولتز، ۱۳۸۳: ۱۲۴).

بنابراین «میانه زندگی با دگردیسی روان مشخص می‌شود. سائقی در وجود انسان موجب می‌شود تا کارمایه او از مسیر تسلط بر جهان بیرون به خود درونی خویش تمرکز یابد. این دگرگونی اغلب این تأثیر تناقض‌نما را دارد که علاوه بر آفرینندگی بیشتر، به روابط گسترده‌تر و بالغ‌تر منجر می‌شود» (فدایی، ۱۳۸۱: ۸۶-۸۷).

بدین ترتیب در بررسی شخصیت زیدری - که به تصریح خود او هنگام نگارش نفثه دوران جوانی را پشت سر نهاده بوده‌است - می‌بایست نمودهای درونگرایی شخصیت وی را نیز مورد توجه قرار داد. از این منظر می‌توان به نوعی بخشی از شخصیت زیدری را در تیپ شخصیتی درونگرایی حسی طبقه‌بندی نمود.

افراد دارای شخصیت درون‌گرایی حسی افرادی آرام، جدا از دنیای روزمره، منفعل، بسیار حساس و ابرازگر احساسات در قالب هنر هستند و اغلب فعالیت‌های انسان را به دیده نیک‌خواهی و مسرت می‌نگرند.

برای زیدری آرامش تلخی که در گوشه امن حکومت ملک مظفر غازی فراهم شده بود، انزوایی سنگین به شمار می‌رفته است. از این رو شاید نگارش اثر بی‌نظیر او نوعی تلاش برای رهایی از انفعال و ابراز وجودی دوباره بوده باشد. روحیه بسیار حساس که به وضوح در تمام اثر هنرمندانه او دیده می‌شود و احساسات عمیقی که صادقانه آشکار کرده و زبان غنایی و روایت درونگراییانه اثر وی، نمودهایی از درونگرایی شخصیت زیدری است.

اگرچه بُعد برون‌گرا بر شخصیت زیدری غالب است، اما بخش‌هایی از بُعد ناخودآگاه وی، او را به سوی تعادل و کنترل بُعد برون‌گرایی شخصیت اش هدایت کرده است. هوشیاری و خویشتنداری زیدری در هنگام غلیان هیجان و خشم، تصمیمات زیرکانه و خردمندانه او در مواجهه با بدخواهان، گریزهای ماهرانه و دوراندیشی‌های هوشیارانه او در برقراری و حفظ ارتباطات گسترده‌اش، کاردانی و تسلط او در امور مختلف و همچنین دقت بسیار او در ضبط و ارائه جزئیات وقایع، نشان‌دهنده حرکت بُعد درون‌گرایی شخصیت زیدری در میانه بُعد برون‌گرایی شخصیت اوست.

نتیجه‌گیری

نفثه/المصدور متنی است که نویسنده آن صادقانه به تشریح بخش مهمی از دوران زندگی خود پرداخته و در ضمن آن آگاهانه یا ناخودآگاه به خودافشاگری نیز دست‌زده است. با بررسی دلالت‌های صریح و ضمنی متن و با رجوع به گفته‌های مؤلف و دقت در تصویرپردازی‌ها و لفاظی‌های وی، غلبه بُعد برون‌گرا در شخصیت زیدری آشکار گردید.

همچنین ترکیبی از تیپ‌های شخصیتی فرعی چون برون‌گرای احساسی، برون‌گرای شهودی، تیپ شخصیت هنری، تیپ جستجوگر، تیپ اجتماعی و همچنین تیپ درون‌گرای حسی نیز در شخصیت زیدری باز شناخته شد.

بر اساس ویژگی‌ها و صفات تیپ‌های شخصیتی مذکور، تناقضات موجود در شخصیت زیدری حاصل تداخل بُعد ناخودآگاه درون‌گرای وی با بُعد درون‌گرای غالب بر اوست. اتحاد میان این دو بُعد اصلی شخصیتی در زیدری، وی را از شخصیتی نسبتاً متعادل برخوردار نموده‌است. بر خلاف تصور ابتدایی از نام و کلیت کتاب *نقشه‌المصدور* که شخصیتی روان رنجور از آن نویسنده آن به ذهن متبادر می‌سازد، مؤلف توانای آن انسانی منطقی و هوشیار و آفرینشگری بسیار با احساس و چیره‌دست بوده است. تأثیر این صفات شخصیتی در شکل‌گیری ساختار درونی و بیرونی *نقشه‌المصدور* مشهود است.

کتابنامه

۱. احمدی، علی اصغر. (۱۳۸۰). شخصیت، رفتارها و گفتارها. *مجله روانشناسی و علوم تربیتی*. ۲۶۶، ۲۱-۴۰.
۲. بتلاب اکبرآبادی، محسن و خزانه دارلو، محمدعلی (۱۳۹۰). نمودهای رمانتیسم در نفته المصدور. *پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*. ۳ (۳)، ۴۷-۶۰.
۳. برونو، فرانک. (۱۳۷۳). *فرهنگ توصیفی اصطلاحات روان‌شناسی*. (ترجمه فرزانه طاهری و مهشید یاسایی). تهران: طرح نو.
۴. بهنامفر، محمد و طلائی، زینب. (۱۳۹۳). تحلیل روان‌شناختی خودستایی‌های خاقانی بر مبنای دیدگاه کارن هورنای، *پژوهش‌نامه ادب غنایی*. ۱۲ (۲۲)، ۶۲-۹۲.
۵. پارسا، سید احمد و مرادی، اقبال (۱۳۹۲). تیپ‌شناسی شخصیت‌های داستانی صادق هدایت با تأکید بر طبقه بندی اینه گرام. *مطالعات داستانی*. ۱ (۳)، ۵-۲۲.
۶. جعفری، طیبه. (۱۳۸۹). تحلیل سندیادنامه از دیدگاه روان‌شناسی یونگ. *ادب پژوهی*. ۱۲، ۱۰۳-۱۱۸.
۷. حجازی، بهجت السادات. (۱۳۸۷). روان‌شناسی شخصیت در تاریخ بیهقی. *فصلنامه علمی پژوهشی کاوش‌نامه*. ۹ (۱۶).
۸. خسرو بیگی، هوشنگ. (۱۳۸۵). تاریخ نگاران: شهاب‌الدین محمد نسوی و سیرت او. *کتاب ماه: تاریخ و جغرافیا*. ۱۰۴-۱۰۶.
۹. دهقان، علی و قاسمی، سهیلا. (۱۳۹۱). نقد روان‌شناختی آثار فروغ فرخزاد براساس مبانی روانکاوی فروید و آدلر. *زبان و ادب فارسی*. ۴ (۱۲)، ۴۳-۶۰.
۱۰. ذاکری کیش، امید و طغیانی، اسحاق و نوریان، سید مهدی. (۱۳۹۳). تحلیل ساختاری زبان غنایی نفته المصدور. *جستارهای زبانی*. ۵ (۲)، ۱۱۱-۱۳۸.
۱۱. رضایی، محمدهادی و قشقایی، سعید (۱۳۸۸). تحلیل روانکاوانه شخصیت گردآفرید، *ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی*. ۵ (۱۴)، ۹۹-۱۲۸.
۱۲. زیدری، محمد. (۱۳۸۱). *نفته المصدور*. (تصحیح وحید دستگردی). تهران: توس.
۱۳. خلیلی، فهیمه. (۱۳۸۴). تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های بوف کور. *پژوهش‌های زبان‌های خارجی*. ۲۵، ۶۳-۸۰.
۱۴. سیاسی، علی اکبر. (۱۳۷۴). *نظریه‌های شخصیت یا مکاتب روان‌شناسی*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. شاملو، سعید. (۱۳۸۲). *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روانشناسی شخصیت* (چاپ هشتم). تهران: رشد.
۱۶. شفیق‌آبادی، عبدا... و ناصری، غلامرضا. (۱۳۸۹). *نظریه‌های مشاوره و روان‌درمانی* (چ ۱۲). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۷. شنبه‌ای، رقیه. (۱۳۸۹). شخصیت و نظریه‌های شخصیت‌پردازی سعدی در گلستان. *پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب*. ۶ (۱۰)، ۳۲۱-۳۴۳.
۱۸. شولتز، دوان پی و شولتز، سیدنی آلن. (۱۳۸۳). *نظریه‌های شخصیت* (چ ۴)، (ترجمه یوسف کریمی و فرهاد جمهری). تهران: ارسباران.
۱۹. صادقی، مریم. (۱۳۹۱). تحلیل شخصیت رستم در نبرد با سهراب. *مطالعات نقد ادبی*. ۲۷، ۱۱-۴۰.
۲۰. صنعتی، محمد. (۱۳۸۴). *تحلیل‌های روان‌شناختی در هنر و ادبیات* (چ ۳). تهران: مرکز.

۱۴۰ // دوفصلنامه علوم ادبی (سال ۶، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۵)

۲۱. طحان، احمد (۱۳۸۷). نقد و بررسی زیبایی شناختی نفثه‌المصدور. پژوهش‌های ادبی. ۵ (۱۹)، ۸۹-۱۱۶.
۲۲. عباسی، حجت‌الله. (۱۳۸۶). شخصیت و شخصیت‌پردازی در حدیقه سنایی. رشد آموزش زبان و ادب فارسی. ۸۱، ۴۴-۴۷.
۲۳. علایی، مشیت. (۱۳۸۰). ادبیات و روان‌شناسی. کتاب ماه ادبیات و فلسفه. ۴۳، ۱۸-۲۳.
۲۴. فاضل، احمد. (۱۳۸۸). درآمدی بر سخن‌آرایی و ظرافت‌های معنایی در نفثه‌المصدور. پژوهش‌نامه ادبیات‌تعلیمی (پژوهشنامه زبان و ادبیات فارسی). ۱ (۳)، ۱۱۱-۱۲۶.
۲۵. فدایی، فرید. (۱۳۸۱). یونگ و روان‌شناسی تحلیلی او. تهران: دانژه.
۲۶. قوام، ابوالقاسم و قبول، احسان. (۱۳۸۶). بررسی عقده حقارت در شخصیت بوسهل زوزنی بر اساس روایت بیهقی، ادب پژوهی. ۱، ۴۹-۶۸.
۲۷. مرادی، مهران. (۱۳۸۵). توصیف روان‌شناختی شخصیت بیهقی بر مبنای متن تاریخ بیهقی، حافظ، ۳۰، ۳۷-۴۴.
۲۸. واحد دوست، مهوش. (۱۳۷۶). نگاهی گذرا به منظومه‌های نظامی گنجوی از دیدگاه روان‌شناسی، گلچرخ. ۱۷.
۲۹. یاکوبسن، رومن. (۱۳۸۱). قطب‌های استعاره و مجازی در زبان (چ ۲). (ترجمه مریم خزران). تهران: نی.
۳۰. یزدان‌پناه، سپیده. (۱۳۸۶). نقد روان‌شناختی شخصیت ضحاک در شاهنامه. پژوهشنامه ادب حماسی. ۳ (۵)، ۱۶۷-۱۸۵.